



رویترز: خشونت سیاسی در ایالات‌متحده قطبی‌شده در بدترین حالت خود از دهه ۱۹۷۰ است

آماده‌باش برای جنگ ۲۰۲۴



شناسایی شده است. رویترز درمجموع ۱۴۰ حمله فیزیکی و درگیری خشونت‌آمیز با اسلحه، چاقو، اسپری لفل، ماشین و ضربات مشت را ثبت کرده است. بیشتر خشونت‌های سیاسی مرگباری که رویترز شناسایی کرده توسط افرادی انجام شده است که دیدگاه‌های راست افراطی را پذیرفته بودند. رویترز دریافت که از زمان شورش کنگره، درمجموع ۱۸ حمله سیاسی مرگبار رخ داده است که منجر به کشته شدن ۳۹ نفر و هشت عامل آن شده است. در ۱۳ مورد از این رویدادها که ۳۴ مورد مرگ را شامل می‌شود، عاملان یا مظنونان انگیزه یا دیدگاه‌های راستگرایانه روشنی را بیان کردند. چهار نفر دیگر در چهار حادثه که سیاسی بودند اما به سیاست حزبی ایالات‌متحده مرتبط نبودند جان باختند. اینها شامل تیراندازی در ماه مه ۲۰۲۲ است که در آن پلیس گفت یک مظنون، خشمگین از تنش‌های سیاسی چین و تایوان، به یک کلیسای تایوانی در کالیفرنیا تیراندازی کرد و یک نفر را کشت و پنج نفر را مجروح کرد. تنهایی از حوادث مرگبار توسط مظنونی انجام شد که به‌وضوح با جناح چپ سیاسی شناخته می‌شد.

جنگ سیاسی

هیچ‌آمار رسمی مبنی بر اینکه سالانه چند آمریکایی بر اثر خشونت سیاسی جان خود را از دست می‌دهند، وجود ندارد. چنین خشونتی در داده‌های جرم‌فدرال یا محلی ردیابی نمی‌شود. حداقل شش دانشگاه و گروه تحقیقاتی خصوصی این مشکل را در پایگاه‌های اطلاعاتی ساخته‌شده براساس گزارش‌های خبری، سوابق دادگاه، رسانه‌های اجتماعی و بیانیه‌های پلیس ثبت می‌کنند. اما تعاریف آنها از خشونت سیاسی متفاوت است. دیگران چنین داده‌هایی را حذف می‌کنندودر میان نهادهای نسبتاً معدودی که خشونت را دنبال می‌کنند بیشتر آنها از سال ۲۰۲۰ اطلاعات جامعی منتشر نکرده‌اند. رویترز با هدایت چندین متخصص و تحقیقات آکادمیک خشونت سیاسی را به‌عنوان حوادث مرتبط با یک انتخابات یا یک اختلاف سیاسی حزبی، یا اقدامات از پیش طراحی‌شده که توسط یک ایدئولوژی قابل شناسایی هدایت می‌شود، تعریف کرد. از ششم ژانویه ۲۰۲۱ (روز حمله به کنگره) توسط رویترز

خشونت سیاسی از زمان حمله ۶ ژانویه به ساختمان کنگره ایالات متحده	
 رویترز ۲۱۳ مورد خشونت سیاسی را شناسایی کرده است. ■ دو سوم از این موارد حمله فیزیکی و درگیری بود. ■ یک سوم دیگر عمدتاً شامل خسارت مالی بود. از ۷۶ اقدام خشونت‌آمیز انفرادی، ۱۸ مورد منجر به مرگ شد	
اعمال خشونت‌آمیز فردی	۷۶
خشونت در تظاهرات و رویدادهای عمومی	۵۸
حمله با خودرو به تظاهرات و رویدادهای عمومی	۶
خشونتی که عمدتاً منجر به تخریب اموال می‌شود	۷۳

ایدئولوژی پشت ۱۸ حمله سیاسی مرگبار که توسط رویترز از زمان شورش کنگره شناسایی شد	
جناح راست	۱۳
به سیاست حزبی ایالات متحده وابسته نیست	۴
جناح چپ	۱

تهدیدهای گزارش‌شده علیه اعضای کنگره از سال ۲۰۱۶ ده برابر افزایش یافته است	
	۹۶۲۵
	۲۰۲۱
	۲۰۲۰
	۲۰۱۹
	۲۰۱۸
	۲۰۱۷
	۲۰۱۶
	۹۰۲

فره‌یختگان تقریباً تمام پژوهشگرانی که خشونت‌سیاسی در آمریکابرایشان مساله‌شده است معتقدند خشونت‌های سیاسی زمانی شروع شد که شورش کنندگان در ۶ ژانویه به ساختمان کنگره ایالات متحده یورش بردند. از نظر آنها این خشونت‌ها از سال ۲۰۱۷ ۱۷ درصد از دموکرات‌ها احساس می‌کردند که تهدید علیه‌هبران حزب دیگر قابل توجهی است. ۱۹ درصد از جمهوریخواهان و ۱۰ درصد از دموکرات‌ها معتقد بودند که آزار و اذیت اعضای عادی حزب دیگر موجه است. از هر پنج جمهوریخواه (۲۰ درصد) یک نفر و ۱۳ درصد دموکرات‌ها ادعا کردند که خشونت سیاسی «این روزها» موجه است. در هر مورد، حمایت از خشونت سیاسی برای جمهوریخواهان از سال ۲۰۱۷ دوبرابر شده و برای دموکرات‌ها افزایش یافته است.

توسعه خشونت سیاسی در آمریکا اکنون و با توجه به در پیش بودن انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۴، نگرانی‌هایی را در این کشور به دنبال داشته است. روز گذشته خبرگزاری انگلیسی رویترز در گزارشی ویژه با عنوان «خشونت سیاسی در ایالات‌متحده قطبی شده در بدترین حالت خود از دهه ۱۹۷۰ است» به این موضوع ورود کرد.
آنطور که نویسندگان این گزارش نوشته‌اند «برخلاف دهه ۱۹۷۰، بسیاری از خشونت‌های سیاسی امروزی به جای اماکن، مردم را هدف قرار می‌دهند و بیشتر طغیان‌های مرگبار اخیر که توسط رویترز ردیابی شده‌اند، از جناح راست سرچشمه می‌گیرند. نمونه موردی: حامی ترامپ که به همسایه‌ای که مشکوک به دموکرات بودنش بود شلیک کرد.»

این خبرگزاری با اشاره به قتل «آنتونی کینگ» توسط همسایه‌اش تنها به جرم احتمال دموکرات بودن، نوشته است: «قتل آنتونی کینگ در ۵ نوامبر، یکی از ۲۱۳ مورد خشونت سیاسی بود که از زمان حمله ۶ ژانویه ۲۰۲۱ توسط حامیان دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق آمریکا به ساختمان کنگره آمریکا توسط رویترز شناسایی شده‌است. سه دانشگاهی که این پرونده‌ها را بررسی کردند می‌گویند که به‌شاهد فرآیندهای دست یافته‌اند که نشان می‌دهد آمریکا با بزرگ‌ترین و پایدارترین افزایش خشونت سیاسی از دهه ۱۹۷۰ دست‌وپنجه‌نرم می‌کند.

این خشونت‌ها دست کم ۳۹ نفر از جمله کینگ را به قتل رسانده است و بسیاری از جنبه‌های زندگی آمریکایی از گردهمایی‌های کوچک گرفته تا رویدادهای عمومی در مقیاس بزرگ را آزار می‌دهد. برخی از مرگ‌میرها به دنبال اختلافات یک‌به‌یک، مانند نزاع مرگبار سال گذشته بین دومر فلوریدا که بر سر زیرکی تجاری ترامپ با هم مشاجره داشتند، رخ داد. موارد دیگری در محیط‌های عمومی اتفاق افتاد، مانند تیراندازی به پنج معترض عدالت اجتماعی در پورتلند در سال گذشته توسط مردی که غرق در لفاظی‌های سیاسی راست افراطی بود. کنشتر‌های دسته جمعی با انگیزه سیاسی جان ۲۴ نفر را گرفت، از جمله تیراندازی در ماه مه ۲۰۲۲ به ۱۰ خریدار سیاه‌پوست در بوفالو توسط یک برتری طلب سفیدپوست که خواستار جنگ نژادی شده بود.

حدود دوسوم از حوادث خشونت‌آمیز سیاسی که توسط رویترز مستند شده است،مله توسط مهاجمان تنها یا درگیری بین گروه‌های رقیب در رویدادهای عمومی، مانند تظاهرات بر سر قتل‌های پلیس، سقط جنین و حقوق ترنس‌ها بوده است. بقیه شامل خسارات مالی قابل توجهی بود که اغلب با اعتراضات عدالت اجتماعی همراه بود و اغلب توسط پلیس به سبزه‌چویان چپ نسبت داده می‌شد.

گری لافری، جرم‌شناس دانشگاه برینلند که بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۲۰ چنین خشونت‌هایی را در پایگاه‌های اطلاعاتی مربوط به تروریسم ردیابی کرده است، به رویترز می‌گوید که خشونت‌های سیاسی در سال ۲۰۱۶ و در زمان اولین نامزدی ترامپ برای ریاست‌جمهوری آغاز شد. لافری گفت که خشونت سیاسی برای نزدیک به یک دهه از اواخر دهه ۱۹۶۰ شروع شد-تتها در سال ۱۹۷۰ بیش از ۴۵۰ مورد مشاهده‌شد-امادر سال ۱۹۸۰ نسبتاً نادر شد. در دهه ۱۹۹۰ چندمورد افزایش یافت، از جمله بمب‌گذاری در ساختمان فدرال اوکلاهما سیتی در سال ۱۹۹۵ که منجر به کشته شدن ۱۶۸ نفر شد، چیزی که اداره تحقیقات فدرال آن را بدترین اقدام تروریستی داخلی کشور توصیف می‌کند. لافری افزود: «خشونت سیاسی در سال ۲۰۱۶ دوباره شروع به افزایش کرد و «به نظر نمی‌رسد که ما هنوز به اوج این موج رسیده باشیم.»
ا‌طور که رویترز نوشته این موج هم در اهداف و هم در ابزارش متفاوت است. «راشل کلاینفلد» که در بنیاد کارنگی برای صلح بین‌المللی مطالعه می‌کند، گفت: «در اوایل دهه ۱۹۷۰، خشونت سیاسی آمریکا بیشتر توسط رادیکال‌های چپ انجام می‌شد و عمدتاً بر تخریب اموال، مانند ساختمان‌های دولتی متمرکز بود.» او گفت: «بسیاری از بمب‌گذاری‌ها معمولاً در شب، یا پس از هشدارهایی انجام می‌گرفت زیرا هدف کشتن مردم نبود. قرار بود بر تصمیمات سیاستمداران تأثیر بگذارد.» در مقابل، بیشتر خشونت‌های سیاسی امروزی مردم را هدف گرفته است. بیشتر طغیان‌های مرگباری که رویترز ردیابی کرده، از جناح راست سرچشمه می‌گیرد. از ۱۴ حمله سیاسی مرگبار پس از شورش کنگره که در آن عامل یا مظنون به حمله، گرایش آشکار حزبی داشت، ۱۳ مورد مهاجمان جناح راست و تنهایی از جناح چپ بود. «کلاینفلد» می‌گوید که خشونت اخیر از جناح راست «بر متوقف کردن مردم یا پایان دادن به زندگی مردم متمرکز است.»

دلایل برای خشونت امروز متفاوت است، از اضطراب گسترده مالی و تحولات همه‌گیر کووید-۱۹ تا نازااحتی از تغییر جمعیت نژادی و قومی آمریکا و خشن شدن لفاظی‌های سیاسی در دوره ترامپ. نظرسنجی‌های اخیر نشان می‌دهد که تقسیم‌بندی‌های سنتی که معمولاً ریشه در تفاوت‌های سیاسی بین راست و چپ دارد جای خود را به این تصور داده است که اعضای حزب سیاسی مخالف نیروی شیطانی هستند که برای تخریب بافت اجتماعی و فرهنگی آمریکا تلاش می‌کنند.

در نظرسنجی رویترز/ایپسوس از نزدیک به ۴ هزار و ۵۰۰ دهنده ثبت‌نام‌شده در ماه مه صورت گرفته، تقریباً ۲۰ درصد از پاسخ‌دهندگان دموکرات و جمهوریخواه خشونت را «قابل قبول» خواندند اگر «برای دستیابی به ایده‌من درمورد جامعه بهتر» انجام شود. اما این احساسات بیشتر آمریکایی‌ها را نگران می‌کند: حدود ۶۵ درصد پاسخ‌دهندگان در نظرسنجی جداگانه رویترز/ایپسوس در ماه مارس و آوریل درباره «اقدامات خشونت‌آمیز انجام‌شده علیه افراد جامعه شما به دلیل اعتقادات سیاسی‌شان» ابراز نگرانی کردند.

رشد کینه‌های حزبی

توجه کارشناسان و افکار عمومی به موضوع خشونت سیاسی در ایالات‌متحده در پی لفاظی‌های ترسناک پس از شکست ترامپ در انتخابات ۲۰۲۰ و به‌ویژه حمله ۶ ژانویه به ساختمان کنگره ایالات‌متحده توسط حامیان ترامپ، معطوف شد. نظرسنجی‌های افکار عمومی نشان می‌دهد که بیش از یک‌سوم آمریکایی‌ها استفاده‌از خشونت سیاسی علیه دولت یا مخالفان سیاسی را قابل قبول می‌دانند. شواهدی وجود دارد که تحمل عمومی برای خشونت سیاسی ممکن است در حال افزایش باشد. تحقیقات اخیر افکار عمومی همچنین نشان می‌دهد که تعداد زیادی از آمریکایی‌ها نگران شیخ‌ناآرامی‌های مدنی خشونت‌آمیز در ایالات متحده هستند. محققانی که معمولاً جنگ‌های داخلی را در کشورهای دیگر مطالعه می‌کنند، شروع به بررسی این موضوع کرده‌اند که آیا ایالات‌متحده در مسیری قرار دارد که درگیری داخلی خشونت‌آمیز گسترده داخلی

است که به جای مقابله با سوءاستفاده‌های مداوم یا خطر تهدیدهای آینده، سمت خود را ترک کنند یا در انتخابات مجدد شرکت نکنند. یک نظرسنجی از شهرداران ایالات متحده که در پاییز گذشته انجام شد نشان داد که از هر سه نفر یک نفر به دلیل این تهدیدات به ترک شغل خود فکر کرده است، در حالی که ۷۰ درصد گفته‌اند که فردی را می‌شناسند که به دلیل همین مسائل، نامزدی را کنار گذاشته است.

چه چیزی وضعیت بی‌ثباتی که ایالات متحده در حال حاضر در آن قرار دارد را توضیح می‌دهد؟ «جیمز پیاز» استاد دانشگاه پنسیلوانیا در پایگاه اطلاعاتی SAGE Journals به بررسی چهار عامل مهم خشونت سیاسی در ایالات متحده پرداخته است؛ «قطعی شدن شدید سیاسی، ایدئولوژی‌های تندمبتنی بر هویت، حمله‌به‌هنجارهای دموکراتیک، اطلاعات نادرست و توطئه‌های سیاسی».

قطعی شدن شدید سیاسی

ایالات متحده یک کشور از نظر سیاسی تقسیم‌شده است که در آن طرفداران حزب به‌طور فزاینده‌ای از یکدیگر متنفر و به هم بی‌اعتماد هستند. حدود ۸۰ درصد از جمهوری خواهان و دموکرات‌هایی که خود را معرفی می‌کنند، گزارش می‌دهند که احساسات منفی شدیدی نسبت به افراد مرتبط با احزاب سیاسی رقیب دارند(نظرسنجی موسسه پیو ۲۰۱۷). در واقع، خود وفاداری حزبی به‌طور فزاینده‌ای مبتنی بر بی‌زاری نسبت به افراد خارج از حزب (اعضای احزاب رقیب) است تا جذب برنامه یا پلتفرم حزب خود. دانشمندان علوم سیاسی از این پدیده با عنوان «قطب‌بندی سیاسی عاطفی»، «فرقه‌گرایی سیاسی» و «قبیله‌گرایی سیاسی» یاد می‌کنند. قطب‌بندی سیاسی به‌ویژه در ایالات متحده امروز شدید است زیرا وابستگی‌های سیاسی حزبی با هویت‌های نژادی و مذهبی مردم پیوند خورده است.

پیازا نوشته است تحقیقاتم همچنین نشان می‌دهد که قطبی شدن عواقبی برای خشونت سیاسی واقعی دارد. در مطالعه فوق‌الذکر من داده‌های جهانی ۸۵ کشور دموکراتیک را برای دوره ۱۹۵۰ تا ۲۰۱۸ بررسی کردم. با استفاده از دو معیار شدت خشونت سیاسی و مدنی، دریافتم که افزایش قطبی شدن سیاسی این احتمال را تا حدود ۳۵ درصد افزایش می‌دهد. در تحقیقات دیگر، من همچنین دریافتم که کشورهای قطبی شده سیاسی به‌طور کلی، چه دموکراسی‌ها و چه غیردموکراسی‌ها، مستعد تجربه تروریسم داخلی هستند که تجلی خاصی از خشونت سیاسی است. این به این دلیل است که جوامع قطبی شده زمینه مساعدی را برای باز یگران تروریستی فراهم می‌کنند. بنابراین اعضای خود را تشکیل دهند، عضوگیری کنند و حملاتی را با خطر کمتر و کاهش عمومی انجام دهند.

محققان دو قطبی شدن شدید را به مجموعه‌ای از نتایج منفی از جمله افزایش محبوبیت اقتدارگرایی و عوام‌فریبی و تضعیف یا فروپاشی حکومت دموکراتیک مرتبط می‌کنند. تحقیقات نشان می‌دهد قطعی شدن سیاسی نیز محرک خشونت سیاسی است.

ایدئولوژی‌های مبتنی بر هویت

ایالات متحده علاوه بر دو قطبی شدن بیشتر، در حال حاضر در تیرس ایدئولوژی‌های سیاسی افراطی است که با بیان هویت نژادی و مذهبی گره خورده است و منعکس کننده نگرانی‌های بخش فرعی از سفیدپوستان آمریکایی است. تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که ایدئولوژی‌های حاشیه‌ای سابق، مانند ناسیونالیسم مسیحی، این ایده که آمریکا باید یک کشور سفیدپوست مسیحی باشد و ایالات متحده باید به خاطر خدا «پس گرفته شده» به‌جز این اصلی گفت‌مان سیاسی تبدیل شده‌است. چنین ایدئولوژی‌هایی که قبلاً حاشیه‌ای بودند، بسیار قدرتمند هستند و به راحتی برای اهریمن ساختن و غیرانسانی کردن مخالفان سیاسی مورد دستکاری قرار می‌گیرند.

حمله به هنجارهای دموکراتیک

پذیرش هنجارها و شیوه‌های لیبرال، مانند تمایل سیاستمداران بازنده به تبعیت از نتیجه انتخابات آزاد و عادلانه، برای تقویت رفتارهای سیاسی غیرخشونت‌آمیز در دموکراسی‌ها است. وقتی چنین هنجارها وره‌هایی توسط نخبگان سیاسی شکسته شود، خشونت سیاسی و پذیرش عمومی خشونت سیاسی افزایش می‌یابد. در مطالعه ۱۰۵ دموکراسی در سراسر جهان برای دوره ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۸، دریافتم که تأیید خشونت سیاسی و وقوع واقعی خشونت سیاسی، به‌ویژه تروریسم خانگی، پس از اینکه سیاستمداران بازنده از پذیرش نتایج انتخابات در رقابت‌های آزاد و منصفانه خودداری می‌کنند، افزایش می‌یابد. به این دلیل که وقتی سیاستمداران بازنده شکست در انتخابات آزاد و عادلانه دموکراتیک را در می‌کنند، هنجارها و نهادهای دموکراتیک را تضعیف می‌کنند و در نتیجه خشونت سیاسی را دلپذیرتر می‌کنند.

اطلاعات نادرست و تئوری‌های توطئه

در نهایت، اکوسیستم اطلاعاتی فعلی ایالات متحده خشونت سیاسی را تسهیل می‌کند. رسانه‌های اجتماعی میکروفونی را در اختیار تأمین کنندگان «اطلاعات نادرست» (اطلاعات همراه کننده عمدی) قرار می‌دهند و به انتشار و رایج کردن تئوری‌های توطئه کمک می‌کنند. رهبران سیاسی از این امر استفاده می‌کنند تا حامیان خود را بسنج کنند. تحقیقات کنونی نشان می‌دهد که هم اطلاعات نادرست وهم تئوری‌های توطئه به خشونت سیاسی کمک می‌کنند. در یک مطالعه اخیر، متوجه شدم که کشورهای غرق در اطلاعات نادرست، شاهد افزایش حملات تروریستی داخلی هستند. من سه منبع اطلاعات نادرست رسانه‌های اجتماعی را در بیش از ۱۰۰ کشور بررسی کردم؛ اطلاعات نادرست منتشر شده توسط دولت‌های داخلی؛ انتشار اطلاعات نادرست توسط بازیگران داخلی غیردولتی، و احزاب سیاسی، و اطلاعات نادرست منتشر شده توسط دولت‌های خارجی، که نمونه‌آن کمپین اطلاعات نادرست رسانه‌های اجتماعی روسیه در جریان انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶ ایالات متحده است. من متوجه شدم هر سه منبع اطلاعات نادرست به‌طور قابل توجهی این احتمال را افزایش می‌دهند که یک کشور تروریسم داخلی را تجربه کند. این به این دلیل است که کمپین‌های اطلاعات نادرست شکاف‌های اجتماعی و سیاسی موجود در جامعه را عمیق‌تر و تروریسم را قابل قبول‌تر می‌کند. علاوه بر این، من متوجه شدم که کمپین‌های اطلاعات نادرست دولت‌های خارجی به‌ویژه تفرقه‌افکن هستند و بنابراین احتمالاً تروریسم داخلی را افزایش می‌دهند.

یکی از دلایل احتمالی که کمپین‌های اطلاعات نادرست آنلاین منجر به خشونت سیاسی می‌شوند، این است که به‌نظریه‌های توطئه دامن می‌زند که افراد را به مشارکت در افراط‌گرایی خشونت‌آمیز تشویق می‌کند. نمونه‌ای از این تئوری توطئه، تقلب در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۰ آمریکا است، که باعث شورش ۶ ژانویه در ساختمان کنگره شد. محققان همچنین دریافته‌اند که افرادی که به تئوری‌های توطئه اعتقاد دارند و الگوهای تفکر توطئه‌آمیز را نشان می‌دهند، مستعد ابراز حمایت یا تحمل برای استفاده از خشونت سیاسی هستند.